



## Study on Historical Origin of the /l/ and the Velarized /ɫ/ Phonemes in Kurdish

Salman Khanjari<sup>1</sup>

1. Ph.D. of Ancient Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.  
E-mail: s.khanj@yahoo.com

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

**Received:** 14 March 2021

**Received in revised form:**

21 May 2021

**Accepted:** 21 March 2021

**Available online:** 21 March  
2022

#### Keywords:

The /l/ and /ɫ/ phonemes in  
Kurdish,  
the velarized /ɫ/ phoneme,  
historical developments,  
Kurdish.

### ABSTRACT

This research has investigated the historical origin of the /l/ and /ɫ/ phonemes in Kurdish language (central and southern branches) within the phonological system. For this purpose, the historical origin of the /l/ and /ɫ/ phonemes has been studied along with the historical process of phonemes or clusters that change from ancient to modern period in Kurdish. The study begins with the reconstructed forms in Indo-European language, and the process of developments has been studied from Old to Middle Iranian (north-western) with examples. Then, the developments to the new period in Kurdish have been investigated. This research argues the /l/ phoneme in Kurdish in some cases is originated from Indo-European and is continuation of Indo-European \*l. It shows that l- in initial context of the word in Kurdish is equal to Indo-European \*l- in initial position of the word. Moreover, it indicates the presence of the -ɫ in Kurdish originates from Indo-European \*-l- in non-initial context of the word and also the sequence of \*ɫt and \*ɫd in Indo-European to Old Iranian. It also demonstrates the differences between /l/ and /ɫ/ phonemes from a historical point of view and their positions in the word.

---

**Cite this article:** Khanjari, S. (2022). Study on Historical Origin of the /l/ and the Velarized /ɫ/ Phonemes in Kurdish. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (1), 1-18.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6259.1532

---



## بررسی تاریخی خاستگاه واج‌های /l/ و نرمکامی‌شده /h/ در زبان کردی

سلمان خنجری<sup>۱</sup>

۱. دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. رایانامه: s.khanj@yahoo.com

### چکیده

### اطلاعات مقاله

در نوشتار پیش رو سرچشمه تاریخی واج‌های /l/ و نرمکامی‌شده /h/ در دستگاه واجی زبان کردی (شاخه مرکزی و جنوبی) بررسی شده است. در این راستا، خاستگاه تاریخی واج‌های /l/ و /h/ به همراه فرایند تحول تاریخی واج یا خوشه‌هایی که در گذر از باستان به دوره نو، در کردی، به واج‌های /l/ و /h/ تبدیل می‌شوند، بررسی شده است. بدین‌منظور، بررسی از صورت‌های بازسازی شده از زبان هندواروپایی آغاز و فرایند تحولات رخ داده در گذر به ایرانی باستان و ایرانی میانه (شمال غربی) با ارائه نمونه‌هایی از هرکدام ارائه، سپس تحولات صورت‌گرفته در گذر به دوره نو در کردی بررسی شده است. واژه‌های نمونه بررسی شده در پژوهش حاضر، برگرفته از فرهنگ فارسی - کردی مردوخ (مردوخ، ۱۳۹۲) است. در این جستار استدلال می‌شود که واج /l/ در کردی در مواردی خاستگاه هندواروپایی دارد و ادامه \*l هندواروپایی است، معلوم می‌شود که -l- در بافت آغازی واژه در کردی با \*l- هندواروپایی در جایگاه آغازی واژه برابری می‌کند، افزون بر این مشخص می‌شود که خاستگاه -l- در کردی برخاسته از \*l- هندواروپایی در بافت غیر آغازی واژه و توالی \*d\* و \*t\* هندواروپایی و ایرانی باستان مادر است. همچنین تفاوت‌هایی که بین واج‌های /l/ و /h/، از منظر خاستگاه تاریخی و نیز جایگاه این واج‌ها در بافت واژه وجود دارد، آشکار می‌شود.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۴ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ بازنگری: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۸ خرداد ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ فروردین ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

واج‌های /l/ و /h/ در کردی،

نرمکامی‌شده /h/،

تحولات تاریخی،

کردی.

استناد: خنجری، سلمان (۱۴۰۱). بررسی تاریخی خاستگاه واج‌های /l/ و نرمکامی‌شده /h/ در زبان کردی. فصلنامه مطالعات

زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۱)، ۱-۱۸.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2021.6259.1532

## ۱- مقدمه

واج‌های /l/ و /l̥/ در کردی، در بررسی تاریخی از زبان هندواروپایی به دوره نو، خاستگاه متفاوتی دارند: \*l- (آغازی واژه) در هندواروپایی، در ایرانی باستان مادر به \*r- تحول می‌یابد، وجود واج /l-/ (در بافت آغازی واژه) در کردی در واژه‌هایی مانند (۱) liw «لب» > هندواروپایی: \*leb؛ (۲) les-in «لشتن» > هندواروپایی: \*leig<sup>h</sup>؛ (۳) laqa «لگد» > هندواروپایی: \*lekn-to؛ همچنین \*l (در جایگاه غیر آغازی واژه) در هندواروپایی نیز که در ایرانی باستان مادر به \*r- تحول می‌یابد، در واژه‌هایی در کردی همچون: (۱) batg «برگ» > هندواروپایی: \*uel؛ (۲) kol «کوتاه» > هندواروپایی آغازین: \*k̥l̥H-uo؛ حکایت از برابری این واج‌ها در کردی با صورت‌های هندواروپایی دارد.

افزون بر این، واج /l/ در بافت غیر آغازی واژه در کردی که در مواردی همچون در واژه kal «خالی» با واج \*l در صورت هندواروپایی: \*k̥leuo- برابری می‌کند و در مواردی دیگر که حاصل از فرایند تحول خوشه \*rz به l در کردی در واژه‌هایی همچون (۱) bal: «بلند»، از -barz «بلندبودن» و (۲) ماده مضارع hel- «هل-»، از ریشه \*hrz «هستن، رهاکردن»؛ افزون بر این، فرایند تحول خوشه‌های باستانی \*rd، \*rt و \*rz در گذر به دوره نو در کردی به واج /l/ در واژه‌هایی همچون (۱) wetk «گرده، کلیه» > ایرانی آغازین: \*urtka- > هندواروپایی: \*ur-tko؛ (۲) pit «پل» > ایرانی باستان: \*pr-tu- > هندواروپایی: \*pr-tu-؛ (۳) sât «سال» > ایرانی باستان: \*carda- > هندواروپایی: \*kel- «سرد، سردبودن»؛ (۴) det «دل» > ایرانی باستان مادر: \*drd- «دل» > هندواروپایی: \*ghrd- «دل»؛ (۵) sepef «اسپرز» > ایرانی آغازین: \*spržan-؛ (۶) kał «کل، بُز نَر» > ایرانی باستان: \*karda-؛ (۷) mât-in «مالیدن» > ایرانی باستان: \*mardz- از ریشه هندواروپایی: \*mēlg- و نمونه‌های دیگری که در متن مقاله ارائه و بررسی می‌شوند، بر تفاوت‌های ویژه‌ای درباره خاستگاه واج‌های /l/ و /l̥/ موجود در دستگاه واجی کردی، از منظر خاستگاه تاریخی و نیز جایگاه این واج‌ها در بافت واژه در بررسی از زبان هندواروپایی به دوره نو دلالت دارد. با توجه به آنچه گفته شد، در نوشتار پیش رو سعی می‌شود به دو پرسش زیر پاسخ داده شود:

- خاستگاه تاریخی هر کدام از واج‌های /l/ و /l̥/ در دستگاه واجی کردی، چیست؟

- چه تفاوت‌هایی در کاربرد هر کدام از واج‌های /l/ و /l̥/ در بافت‌های گوناگون واژه وجود دارد؟

مکنزی<sup>۱</sup> (۱۹۶۱) از تبدیل خوشه‌های باستانی \*rz و \*rd به /l/ و /ʎ/ در کردی یاد می‌کند؛ لودویک پاول<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) به تبدیل خوشه \*rd به /ʎ/ در کردی مرکزی و جنوبی و همچنین خوشه \*rʒ به /l/ و /ʎ/ در کردی اشاره می‌کند. مک‌کاروس (۲۰۰۹) تبدیل خوشه‌های باستانی \*rz و \*rd را به /ʎ/ در کردی یادآور می‌شود.

مواردی که ذکر شد، به درستی به تحوّل خوشه‌های \*rd و \*rz اشاره داشته‌اند، اما تنها به تحوّل این دو خوشه و آن‌هم در حدّ کلی و بدون پرداختن به جزئیات اشاره می‌کنند و همچنین به خاستگاه هندواروپایی آن‌ها نپرداخته‌اند، به ویژه اینکه به سایر مواردی که /ʎ/ و /l/ در کردی از آنجا سرچشمه می‌گیرد، اشاره نکرده‌اند، در نوشتار پیش رو به‌طور جامع خاستگاه تاریخی /ʎ/ و /l/ در کردی و همچنین تفاوت هر کدام از منظر خاستگاه تاریخی و نیز قرار گرفتن در بافت واژه، با ارائه واژه‌های نمونه برای هر مورد، بررسی و مشخص می‌شود.

## ۲- روش پژوهش

در پژوهش حاضر با ارائه و بررسی تاریخی بیست واژه از زبان کردی به‌منزله نمونه (شامل اسم، صفت و ماده فعل) که دارای واج‌های /ʎ/ و /l/ هستند، به فرایند تحولات صورت‌گرفته در واژه‌های مورد بررسی از صورت‌های فرضی و بازسازی‌شده در زبان هندواروپایی و دگرگونی‌های صورت‌گرفته در گذر از دوره باستان تا دوره نو و صورت موجود در کردی که از شاخه گویش‌های ایرانی نو شمال غربی است، پرداخته و واج‌های /ʎ/ و /l/ در کردی بررسی می‌شود. داده‌های زبان‌های باستانی براساس روش کتابخانه‌ای و داده‌های زبان کردی از راه مصاحبه میدانی به‌صورت پرسش از گویشوران کردزبان و نیز شمّ زبانی نگارنده به‌مثابه گویشور کردی افزون بر منابع مکتوب استفاده شده است، واژه‌های کردی برگرفته از فرهنگ فارسی - کردی مردوخ (مردوخ، ۱۳۹۲) است.

آوانویسی داده‌های زبان‌های باستانی و گویشی به فونت و قلم (رایج در آوانویسی زبان‌های باستانی) TITUS Cyberbit Basic انجام شده است و مواردی که با نشانه ستاره \* مشخص شده‌اند، صورت‌های فرضی یا بازسازی هستند.

## ۳- تحلیل داده‌ها

از آنجاکه در نوشتار پیش رو، خاستگاه واج‌های /ʎ/ و /l/ در کردی از منظر تحولات تاریخی بررسی

می‌شود، نخست ادوار زبان‌های ایرانی معرفی می‌شود و سپس ویژگی‌های واجی هر کدام از واج‌های /l/ و /r/ در کردی با ارائه جفت‌های کمینه که بر واج بودن آن‌ها دلالت می‌کند، به اجمال سخن گفته می‌شود: زبان‌های آریایی رایج در ایران و هند، شاخه‌ای از خانواده بزرگ زبان‌های هندواروپایی<sup>۱</sup> را تشکیل می‌دهد و همه زبان‌های آریایی بازمانده زبان آریایی آغازین هستند، آریایی آغازین زبان گروهی از مهاجران هندواروپایی بود که در حدود هزاره سوم پیش از میلاد از هم‌نژادان خود جدا و در دشت‌های آسیای مرکزی ساکن شدند (رضایی باغ‌بیدی، ۲۰۰۹: ۹؛ لیمان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲: ۶۸). زبانی را که اقوام ایرانی پس از جدایی از هم‌نژادان خویش استفاده می‌کردند، می‌توان ایرانی آغازین، ایرانی مشترک یا ایرانی باستان نامید. این زبان در واقع مادر همه زبان‌هایی است که با عنوان زبان‌های ایرانی می‌شناسیم (رضایی باغ‌بیدی، ۲۰۰۹: ۱۹). زبان‌های ایرانی به سه دوره ایرانی باستان (از آغاز نگارش تا سده‌های ۳ و ۴ ق.م.)، ایرانی میانه (از سده‌های ۳ و ۴ ق.م. تا ۸ و ۹ م. و کمی پس از آن) و ایرانی نو (از سده‌های ۸ و ۹ م. تا کنون) تقسیم می‌شوند (اشمیت<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹ الف: ۲۶؛ ویندفور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۵). فارسی میانه (شاخه جنوب غربی<sup>۵</sup>) و پارتی (شاخه شمال غربی)، شاخه غربی زبان‌های ایرانی دوره میانه را تشکیل می‌دهند (شروو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹: ۱۹۶؛ زوندرمان<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹: ۱۰۶). از سال (۸۶۷) برابر با (۲۵۴) هجری تا به امروز نیز دوره جدید زبان‌های ایرانی به شمار می‌رود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

بر اساس آواشناسی تاریخی، گویش‌های ایرانی نو غربی نیز مانند زبان‌های ایرانی میانه غربی، به دو شاخه شمال غربی و جنوب غربی تقسیم می‌شوند، زبان و گویش‌هایی که تحوّل تاریخی آوای آن‌ها به تحوّل تاریخی آوای زبان پارتی شبیه است، به شاخه شمال غربی تعلق دارند (رضایی باغ‌بیدی، ۲۰۰۹: ۱۸۱-۱۸۲). کردی در شاخه ایرانی نو شمال غربی جای دارد (کامری<sup>۸</sup>، ۱۹۸۷: ۳۷؛ هیگ<sup>۹</sup>،

۱. خانواده زبان‌های هندواروپایی قسمت بیش‌تر اروپا، سراسر ایران و آسیای مرکزی به سمت جنوب آسیا را پوشش می‌دهد (کامری، ۲۰۰۱: ۲۰-۲۲؛ فورستون، ۲۰۰۴). آنچه امروزه تحت عنوان خانواده زبان‌های هندواروپایی شناخته می‌شود، مجموعه بازماندگان زبانی واحد به نام هندواروپایی آغازین است که سخن‌گویان آن در فاصله سال‌های ۴۵۰۰-۳۶۰۰ ق.م. می‌زیستند (کریستال، ۱۹۸۷: ۲۹۶؛ تراسک، ۱۹۹۹: ۱۲۳؛ رضایی باغ‌بیدی، ۲۰۰۹: ۴).

2. W. P. Lehmann

3. R. Schmitt

4. G. Windfuhr

۵. زبان فارسی نو بازمانده فارسی میانه است (شروو، ۲۰۰۹: ۱۹۶) و اساس زبان فارسی میانه، زبان فارسی باستان یعنی زبان کتیبه‌های دوره هخامنشی است (اشمیت، ۱۹۸۹ ب: ۸۷). این شاخه زبانی در گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی جای دارد.

6. P. O. Skjærvø

7. W. Sundermann

8. B. Comrie

9. G. Haig

۲۰۰۴: ۸). مک‌کاروس<sup>۱</sup> (۲۰۰۹: ۵۸۷) معتقد است که از نظر زبان‌شناختی، کردی، در کل جایگاهی بینابین در میان گویش‌های ایرانی نو غربی شاخه شمالی و جنوبی دارد. با توجه به تحولات واجی از ایرانی باستان به ایرانی میانه (شمال غربی) که گویش‌های نو ایرانی (شمال غربی) از آن‌ها جدا شده‌اند (ارانسکی،<sup>۲</sup> ۱۳۵۸: ۳۳۰-۳۳۱)، در پژوهش حاضر براساس فرایند صورت گرفته به دوره نو در کردی، خاستگاه واج‌های /l/ و /l/ در کردی بررسی تاریخی می‌شود.

وجود هرکدام از واج‌های /l/ و /l/ در بافت‌های گوناگون واژه در کردی سبب ایجاد تغییرات معنایی می‌شود، استفاده از «جفت کمینه» از نظر واج‌شناسان ثابت می‌کند که دو آوا در واقع دو واج متفاوت هستند (آرلاتو،<sup>۳</sup> ۱۳۸۴: ۸۶ «پانویس»)، بدین منظور در ابتدا برای دو واج /l/ و /l/ در کردی، «جفت کمینه» ارائه می‌شود، «جفت کمینه» در دو قسمت برای هرکدام، نخست برای واج /l/ در جایگاه آغازی و میانی و پایانی واژه و سپس برای واج /l/ ارائه می‌شود:

الف: واج /l/ لثوی، کناری،<sup>۴</sup> واک‌دار

در جایگاه آغازی واژه: /l/ ~ /m/ /leč/ «لب» /meč/ «مُچ»

در جایگاه میانی واژه: /l/ ~ /w/ /mila/ «میله» /miwa/ «میوه»

در جایگاه پایانی واژه: /l/ ~ /k/ /til/ «ترکه» /tük/ «مُو، پُرز»

ب: واج /l/ لثوی، کناری، واک‌دار، نرم‌کامی شده<sup>۵</sup>

در جایگاه آغازی واژه: در کردی واج /l/ در جایگاه اول واژه نمی‌آید (در این مورد نگاه کنید به بند ۱-۲-۳ الف).

در جایگاه میانی واژه:

/l/ ~ /w/ /kaŋâw/ «کلاه» /kawâw/ «کباب»

/l/ ~ /y/ /gaŋâ/ «برگ» /gayâ/ «گدا»

در جایگاه پایانی واژه:

/l/ ~ /ř/ /wet/ «رها» /weř/ «گیج»

1. E. McCarus
2. Y. M. Aransky
3. A. Arlotto
4. lateral
5. velarized

/A/ ~ /I/ /gol/ «گُل» /gol/ «کثیف»

/A/ ~ /I/ /kol/ «کوتاه» /kol/ «کُند»

/A/ ~ /I/ /kaʔ/ «بُز نَر» /kal/ «خالی»

/A/ ~ /I/ /duʔ/ «دَلُو» /dul/ «آلت تناسلی پسر بچه»

/A/ ~ /I/ /qol/ «سرچشمه» /qol/ «پا»

/A/ ~ /I/ /gaʔ/ «ران‌های پا» /gal/ «گله»

/A/ ~ /I/ /pal/ «اصطلاحی در بارندگی» /pal/ «کمک، یاری»

واژه‌هایی برای نمونه از زبان کردی که دارای واج‌های /A/ و /I/ هستند، انتخاب شدند، سپس براساس اصول بررسی تاریخی، تحلیل و بررسی واژه‌های انتخابی از صورت فرضی زبان هندواروپایی آغاز شد تا به دوره نو و صورت موجود در کردی رسیدیم، سپس در آخر در جدولی جداگانه، خاستگاه هر کدام از واج‌های /A/ و /I/ به همراه فرایندهای صورت‌گرفته در مورد خوشه‌های باستانی در گذر به دوره نو در کردی به تفکیک مشخص شد. در ادامه، روند بررسی تاریخی صورت گرفته ارائه می‌شود:

### ۱-۳- بررسی تاریخی واج /I/ در زبان‌های ایرانی

به منظور بررسی تاریخی خاستگاه واج /I/ و /I/ در کردی، باید از تحولات واجی صورت‌گرفته از زبان هندواروپایی آغاز شده و فرایند تحولات رخ داده در گذر به ایرانی باستان و ایرانی میانه (شمال غربی) و در دوره نو در کردی که خود در شاخه ایرانی نو شمال غربی است، بررسی شود:

واج‌های زبان هندواروپایی به سه گروه واکه‌ها، همخوان‌ها و بازخوان‌ها تقسیم می‌شوند (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۱۲۸). بازخوان‌ها واج‌هایی هستند که می‌توانند نقش واکه و همخوان داشته باشند، در میان این بازخوان‌ها \*r و \*l کاربرد واکه و \*r و \*l کاربرد همخوان دارند (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۶؛ بیکس، ۲۰۱۱: ۳۸؛ بومهارد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۴۶).

/I/ هندواروپایی آغازین در آریایی آغازین به /t/ تغییر یافته است (کنت<sup>۳</sup>، ۱۹۵۰: §۱۰۷). در

بسیاری از زبان‌های ایرانی I در نتیجه تحولات بعدی ظاهر می‌شود: در شاخه ایرانی غربی: \*rd به I

1. R. Beekes
2. A. R. Bomhard
3. R. G. Kent

(-*carda* < *sāl* «سال») تبدیل می‌شود<sup>۱</sup> (کانترا، ۲۰۱۷: ۴۸۵؛ گری، ۳، ۱۹۶۵: ۷۴۵§)؛ اما در زبان‌های ایرانی مواردی دیده می‌شود که l در آن‌ها ادامه هندواروپایی: \*l است: اگرچه در پارسی، هندواروپایی: \*l به r تبدیل می‌شود، \*leukos < rwž «روز»، در برخی واژه‌ها به صورت l نمود می‌یابد: پارسی: -larz «لرز» > هندواروپایی: \*h<sub>1</sub>le-h<sub>1</sub>liǵ- (کانترا، ۲۰۱۷: ۴۸۶). هندواروپایی: \*leig<sup>h</sup> < کردی: lesin «لشتن» (پوکرنی، ۹، ۱۹۵۹: ۶۶۸؛ هوبشمان، ۹، ۱۸۹۵: ۹۶؛ کوبایاشی، ۶، ۲۰۰۴: ۱۴۵؛ لوبوتسکی، ۷، ۲۰۱۸: ۱۸۷۸).

### ۲-۳- بررسی تاریخی تحوّل خوشه‌های باستانی به /l/ و /r/ در کردی

توالی هندواروپایی آغازین: \*rd(h) و \*rǵ(h) در ایرانی آغازین به \*rd و \*rǵ تحوّل می‌یابد (پاول، ۲۰۰۸)؛ و خوشه‌های ایرانی آغازین: \*r/ṛǵ، \*r/ṛd، \*r/ṛt، \*r/rd و نیز توالی: \*rdz و \*rḏ در دورهٔ میانه در زبان پارسی به صورت توالی rz/rδ «دل»، burz «بلند» و r «سالار» (sārār) نمود می‌یابد<sup>۱</sup> (هوبشمان، ۱۳۱: ۱۸۹۵؛ مکنزی، ۱۹۶۱: ۷۷؛ پاول، ۲۰۰۸؛ ویندفور، ۲۰۰۹: ۱۹، ۲۹؛ مک‌کاروس، ۲۰۰۹: ۵۹۲؛ کاتکارت، ۹، ۲۰۱۵: ۴۶، ۸۳؛ گری، ۱۹۶۵: ۷۹۴§).

۱. در بیشتر زبان‌های ایرانی همچون اوستا و فارسی باستان نیز، تقابل بین r و l از بین رفته است (کانترا، ۲۰۱۷: ۴۸۵). برای نمونه هندواروپایی آغازین: \*soluō «همه» < در فارسی باستان به صورت: haruva نمود می‌یابد و هندواروپایی آغازین: \*leuqos < در فارسی باستان به صورت: rauca در کتیبه‌ها مشاهده می‌شود، در وام‌گیری /l/ اصلی در فارسی باستان به /r/ تبدیل می‌شود: صورت اَکدی: ar-ba<sup>3</sup>-il در فارسی باستان به صورت: Arbairā «اریل» ذکر می‌شود؛ و صورت اَکدی: bab ilu در فارسی باستان به صورت Bābiru «بابل» تحوّل می‌یابد. در مواردی که کاربرد کمتری دارند، /l/ باقی می‌ماند، برای مثال در موارد Haldita «هلدیت» (اسم فردی ارمنی)، Labnāna «لبنان»، Dubāla «دوبال» (ناحیه‌ای در بابل)، Izalā «ناحیه‌ای در آشور» مشاهده می‌شود که /l/ باقی می‌ماند (کنت، ۱۹۵۰: ۱۰۷§). تمام موارد یادشده در مورد فارسی باستان بیانگر این است که در فارسی باستان، واج /l/ وجود ندارد. واج /l/ در دستگاه واجی اوستایی نیز حذف شده است و در فارسی باستان تنها واجی حاشیه‌ای است و در چند نام خاص بیگانه دیده می‌شود، اما وجود واژه‌هایی همچون lištan «لشتن» و «لیسیدن»، در فارسی نو و حتی نام خاص Lak-šā «رخش» در الواح ایلامی تخت جمشید (که برگرفته از Laxšā ایرانی است) گواهی می‌دهد که دست کم در یکی از گونه‌های ایرانی باستان واج /l/ نیز وجود داشته است (مایرهوفر، ۱۹۸۹: ۱۰؛ اشمیت، ۱۹۸۹: ۹۰-۹۱؛ رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۵۳).

2. A. Cantera
3. L. H. Gray
4. J. Pokorny
5. H. Hübschmann
6. M. Kobayashi
7. A. Lubotsky

۸- توالی rd «θard» (سال) در فارسی باستان، در گذر به دورهٔ میانه به صورت واج /l/ «sāl» (سال) در فارسی میانه تحوّل یافته است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶).

9. C. A. Cathcart



## ۱-۲-۳- واج /l/

در مورد واج /l/ با توجه به موقعیت این واج در بافت واژه، بررسی و تحلیل واژه‌های نمونه در دو قسمت جداگانه انجام می‌شود:

## الف: واج /l/ در بافت آغازی واژه

l- (در بافت آغازی واژه) در هندواروپایی که در ایرانی باستان مادر به r- (در جایگاه آغازی واژه) تحول می‌یابد، در دوره نو در کردی در تمامی موارد به صورت واج /l-/ (در موقعیت آغازی واژه) آمده است؛ در کردی واج /l/ هیچ‌گاه در بافت آغازی واژه کاربرد ندارد؛ به منظور بررسی این فرایند می‌توان واژه‌های (liw «لب»، les-in «لشتن»، laqa «لگد») را برای نمونه در این مورد بیان کرد، در ادامه فرایند صورت گرفته در هر کدام از نمونه‌های ارائه شده از دوره باستان به نو بررسی می‌شود:

liw «لب»: هندواروپایی: \*leb- < ایرانی باستان: \*lap- (از \*rap-؟) (پوکرنی، ۱۹۵۹: ۶۵۴؛ هوبشمان، ۱۸۹۵: ۲۶۳).<sup>۱</sup>

les-in «لشتن»: هندواروپایی: \*leig<sup>h</sup>- (پوکرنی، ۱۹۵۹: ۶۶۸؛ هوبشمان، ۱۸۹۵: ۹۶؛ کوبایاشی، ۲۰۰۴: ۱۴۵؛ کانتر، ۲۰۱۷: ۴۸۶) < ایرانی باستان: \*rišta- از ریشه raiz «لشتن» (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۴۶۳۶§).

laqa «لگد»: هندواروپایی: \*lekṇ-to- < ایرانی باستان: \*rakata- (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۴۶۵۳§).

مثال‌های (liw «لب»، lesin «لشتن» و laqa «لگد») که برای نمونه پیش‌تر ارائه و بررسی شده‌اند، فرایند /l-/ آغازی واژه از زبان هندواروپایی تا دوره نو در کردی را نشان می‌دهد. در تمامی موارد بالا دیده می‌شود که l- هندواروپایی (در بافت آغازی واژه)، در ایرانی باستان مادر به واج r- (در جایگاه آغازی واژه) تحول می‌یابد و در دوره نو در کردی در تمامی موارد به صورت واج /l-/ (در موقعیت آغازی واژه) نمود می‌یابد. در نمونه‌های مورد بررسی دیدیم واج /l/ در کردی با l\* هندواروپایی برابری می‌کند. افزون بر بررسی خاستگاه /l-/ آغازی واژه در این نمونه‌ها، این مشخصه نیز روشن می‌شود که در بافت آغازی واژه در کردی، /l/ هیچ‌وقت به کار نمی‌رود.

برای مثال‌های ارائه شده، از منظر جایگاه واج‌های /l/ و /l/ در بافت واژه نیز می‌توان قاعده زیر را نوشت:

۱. صورت‌های موجود این واژه در ایرانی میانه جنوب غربی بدین صورت است: فارسی میانه: lab (مکنزی، ۱۹۷۱: ۵۲)، پازند: law (هوبشمان، ۱۸۹۵: ۲۶۳). هوبشمان (۱۸۹۵: ۲۶۴) معتقد است که در اینجا l\* هندواروپایی در ایرانی باستان به r\* و در دوره میانه به l تحول می‌یابد.

قاعده (۱):

— # /l/ /  
[کناری +]

قاعده بالا نشان می‌دهد که از نظر قرار گرفتن واج‌های /l/ و /l/ در بافت واژه در کردی، فقط واج /l/ می‌تواند در بافت آغازی واژه بیاید؛ به عبارت دیگر، واج /l/ هیچ‌گاه در بافت آغازی واژه کاربرد ندارد.

### ب: واج /l/ در بافت غیر آغازی واژه

در بافت غیر آغازی واژه، در مواردی واج /l/ در کردی با \*l هندواروپایی برابری می‌کند و در مواردی نیز حاصل از فرایند تحوّل خوشهٔ -rZ- باستانی در گذر به دورهٔ نو در کردی است؛ در این مورد می‌توان واژه‌های زیر را برای نمونه بیان کرد: kal «خالی»، bal «بلند»؛ و -hel (مادهٔ مضارع «هل»-؛ در ادامه تحوّل هر کدام از موارد یادشده از ایرانی باستان به دورهٔ نو بررسی می‌شود:

kal «خالی»: هندواروپایی: \*k<sub>1</sub>leuō «کَل، کچل» (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: §۴۰۵۰).<sup>۱</sup>

در این مورد نیز دیده می‌شود که واج /l/ در کردی با هندواروپایی \*l برابری می‌کند.

bal<sup>۲</sup> «بلند»: از -barz «بلندشدن/ بلندبودن». از صورت هندواروپایی آغازین: \*bherǵh- / \*bhrǵh-

«بلند» (کنت، ۱۹۵۰: ۲۰۰؛ فورستون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴: ۱۸۲)؛ ایرانی آغازین: \*br̥z- (کاتکارت، ۲۰۱۵: ۱۳۴)؛

ایرانی باستان: \*br̥zā- حالت نهادی از -br̥zant\* (صفت دارندگی) «بلند» (نیبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۴: ۵۰)؛ مادی:

-br̥z- در \*br̥ziya- (اشمیت، ۱۹۸۹: ب: ۸۸).<sup>۵</sup>

در کردی پس از تحوّل خوشهٔ rZ به همخوان l، با اینکه همخوان l در موقعیت بعد از همخوان لبی

۱. صورت اوستایی این واژه به شکل kaurva «کَل، بی‌مو» آمده است (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۴۵۶).

۲. این واژه در کردی به هر دو صورت نمود می‌یابد: (۱) صورت باستانی واژه به صورت (barz) «بلند» حفظ شده است. (۲) خوشهٔ -rZ- به l تحوّل یافته است: (bal) «بلند». در این موارد آرلاتو (۱۳۸۴: ۲۷) معتقد است که گویش‌های محلی غیر مکتوب، بیشتر صورت‌های دوره‌های باستانی یا میانه را در خود حفظ می‌کنند. در مورد این واژه شاهد هر دو صورت تحوّل خوشهٔ باستانی به l و نیز حفظ خوشهٔ rZ با حفظ صورت اصلی واژه در گذر به دورهٔ نو در کردی هستیم.

3. B. W. Forston

4. H. S. Nyberg

۵. صورت‌های موجود این واژه در زبان‌های ایرانی باستان شاخهٔ شرقی و ایرانی باستان و میانه شاخهٔ جنوب غربی به صورت ذیل

آمده است: اوستایی: -barəz «بلند» (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۹۴۹)؛ فارسی باستان: -bard در اسم خاص -bardiya (کنت، ۱۹۵۰:

۲۰۰؛ کاتکارت، ۲۰۱۵: ۸۳)؛ فارسی میانه: buland «بلند» (مکنزی، ۱۹۷۱: ۲۰)، borz «بلند» (مکنزی، ۱۹۷۱: ۱۹)، burz «بلند»

(نیبرگ، ۱۹۷۴: ۵۰).

قرار دارد، همان صورت **ba-** حفظ می‌شود.<sup>۱</sup>

**hel-** ماده مضارع: از ریشه  $\sqrt{hrz}$  «هشتن، رها کردن» (مکنزی، ۱۹۶۱: ۷۸)، در کردی پیشوندهای فعلی به آغاز فعل اضافه می‌شوند و **h-** آغازی واژه حذف می‌شود؛ برای مثال در جدول (۱) صرف فعل امر دوم شخص جمع از **hel-** (ماده مضارع «هل-») ارائه می‌شود:

جدول (۱). ساخت فعل امر از ماده مضارع **hel-**

be + hel- en → bilen	«بهلید، بگذارید، اجازه بدهید»
شناسه ۲ ش.ج. - هل - پیشوند فعل	

هنگام افزودن پیشوند فعلی **be-** همخوان **h** که پس از واژه کوتاه قرار می‌گیرد، حذف می‌شود، با این حذف، وزن هجا کم‌تر می‌شود و واژه به منظور جبران وزن ازدست‌رفته خود به راهکارهای گوناگون می‌پردازد؛ بنابراین در اینجا ابتدا حذف همخوان سایشی چاکنایی رخ می‌دهد و پس از آن، تغییر جایگاه واژه انجام می‌شود:

na hât naât nât (نیامد)

na hišt naišt nayšt → neyšt (نذاشت)

در مورد حذف همخوان **h** و تغییر جایگاه واژه، نگاه کنید به ← (مک‌کاروس، ۲۰۰۹: ۵۹۸/۲۳؛ فتاحی، ۱۳۹۹).

صورت‌های این واژه از زبان هندواروپایی به بعد به صورت زیر است:

هندواروپایی آغازین: **\*selǵ-** «ول‌کردن/رهاکردن» ریکس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱: ۵۲۸)؛ هندواروپایی: **\*selǵ-** (پوکرنی، ۱۹۵۹: ۹۰۰)؛ ایرانی آغازین: **\*hrdza-** «هل- (هشتن)» (رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۱۸۳)؛ ایرانی باستان: **\*hrz-** «رهاکردن»؛ مادی: **\*hrza-** (رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۱۸۳)؛ پارسی: **hirz-** «رها کردن، هشتن» (گیلن<sup>۳</sup>، ۱۹۳۹: ۴۸؛ بویس<sup>۴</sup>، ۱۹۷۷: ۵۰؛ رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۱۸۳).<sup>۵</sup>

۱. ایرانی باستان در ایرانی میانه غربی پس از همخوان‌های لیبی به **ur** تبدیل می‌شود: پهلوی اشکانی تُرفانی: (purr, murd) (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۷).

2. H. Rix

3. A. Ghilain

4. M. Boyce

۵. صورت‌های موجود این واژه در زبان‌های ایرانی باستان شاخه شرقی و ایرانی باستان و میانه جنوب غربی بدین صورت آمده

است: اوستایی: **harəz-** (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۷۹۲)؛ فارسی باستان: **[-\*hr̥da-]**؛ **\*harda-** (رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۱۸۳)؛ فارسی میانه تُرفانی: **hil-** «رها کردن، هشتن» (بویس، ۱۹۷۷: ۵۰)؛ فارسی میانه: **hil-** (نیربگ، ۱۹۷۴: ۱۰۰؛ مکنزی، ۱۹۷۱: ۴۳). خوشه **\*rd** و **\*rz** باستانی در پارسی باقی مانده است، اما در فارسی میانه به **l** تبدیل شده است (مکنزی، ۱۹۶۱: ۷۷؛ گری، ۱۹۶۵: ۱۹۹، ۲۰۷/۷۴۸§§، ۷۹۴؛ ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۱۵؛ ویندفور، ۲۰۰۹: ۱۹، ۲۹).

برای مثال‌های ارائه‌شده و فرایند صورت گرفته می‌توان قاعده زیر را نوشت:

قاعده (۲):

$$\begin{aligned} r + C &\rightarrow l / V - \\ rz &\rightarrow l / V - \\ &[\text{کناری} +] \end{aligned}$$

قاعده بالا نشان می‌دهد که خوشه /rz- باستانی در گذر از باستان به دوره نو در کردی مطابق موارد ارائه‌شده در بافت پایانی واژه بعد از واکه هسته به واج /l/ تحول یافته است. جدول (۲) خاستگاه تاریخی واج /l/ را در کردی مطابق نمونه‌های بررسی شده نشان می‌دهد:

جدول (۲). خاستگاه تاریخی واج /l/ در کردی

هندواروپایی: *leb- < ایرانی باستان مادر: *lap- (از *rap-؟) < کردی: liw
هندواروپایی: *lej <sup>h</sup> - < ایرانی باستان مادر: *rišta- < کردی: lesin
هندواروپایی: *lek <sup>n</sup> -to- < ایرانی باستان مادر: *rakata- < کردی: laqa
هندواروپایی: *kleuo- < کردی: kal
هندواروپایی: *selg- < ایرانی باستان مادر: *hrz- < کردی: hel-
هندواروپایی: *bherǵh- / *bhrǵh- < ایرانی باستان مادر: *brz- < کردی: bal

## ۲-۲-۳ واج /l/

منشأ واج /l/ در کردی در گذر از هندواروپایی به دوره نو در کردی به صورت زیر است:  
 (۱) \*l (در جایگاه غیر آغازی واژه) در هندواروپایی که در ایرانی باستان مادر به \*r تحول می‌یابد، در دوره نو در کردی به واج /l/ تبدیل می‌شود، در این مورد واژه‌های زیر برای نمونه ارائه و بررسی می‌شوند:

**batg** «برگ»: هندواروپایی: از صورت \*uel- (حسندوست، ۱۳۹۳: ۷۶۶§)؛ ایرانی آغازین: \*uarka- «برگ» (کاتکارت، ۲۰۱۵: ۳۲)؛ ایرانی باستان: \*varka- «برگ» (حسندوست، ۱۳۹۳: ۷۶۶§)؛ پارسی: wrgr «برگ» (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۲۰۳)؛ پارسی مانوی: wargar «برگ» (دورکین - ماینسترانست، ۲۰۰۴: ۳۴۵).

### 1. D. Durkin-Meisterernst

۲. صورت‌های موجود این واژه در زبان اوستایی از زبان‌های ایرانی باستان شاخه شرقی و فارسی میانه در شاخه ایرانی میانه جنوب غربی بدین صورت است: اوستایی: varəka «برگ» (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۳۶۷؛ گری، ۱۹۶۵: ۸۰§/۳۷)؛ فارسی میانه: warg [wlg] «برگ» (مکنزی، ۱۹۷۱: ۸۷؛ گری، ۱۹۶۵: ۸۰§/۳۷).

در مثال بالا دیده می‌شود که هندواروپایی \*l که در ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی به واج ɾ تحول می‌یابد، در دوره نو در کردی به واج /t/ تبدیل می‌شود.

**kol** «کوتاه»: هندواروپایی آغازین: \*k<sup>h</sup>lH-uo- (مایرهورفر، ۱۹۹۲: ۳۷۷) < ایرانی باستان: \*kurua- (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

چنان‌که دیده شد، هندواروپایی \*l که در ایرانی باستان به واج ɾ تحول می‌یابد، در دوره نو در کردی به واج /t/ تبدیل می‌شود.

**žāta** «ژاله»: هندواروپایی: از صورت \*gel- «سرد، یخ‌زده، منجمد» (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۲۸۶۵§).

در این مثال نیز هندواروپایی \*l در دوره نو در کردی به صورت واج /t/ تحول می‌یابد.

(۲) \*ɾd، \*ɾt و \*ɾz باستانی در گذر به دوره نو در کردی به واج /t/ تحول می‌یابد، درباره این فرایند واژه‌های (wetk «گرده، کلیه»، pit «پل»، sāt «سال»، bāt «بال»، det «دل»، sepeṭ «اسپترز»، kaṭ «گل، بُز نر»، atak «غربال»، goṭ «گل»، nāt-in «نالیدن» و māṭ-in «مالیدن» برای نمونه بررسی می‌شوند:

**wetk** «گرده، کلیه»: هندواروپایی: \*uṛ-tko- (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۷۶۶§)؛ ایرانی آغازین: \*uṛtka-

(کاتکارت، ۲۰۱۵: ۳۱، ۱۳۶)؛ ایرانی باستان: \*vṛtka- (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۸۷۰§).

در واژه **wetk**: «گرده، کلیه»، خوشه باستانی \*ɾt در گذر به دوره نو در کردی، به /t/ تحول یافته است.

**pit** «پل»: هندواروپایی: \*pṛ-tu- (پوکرنی، ۱۹۵۹: ۸۱۷، مایرهورفر، ۱۹۹۶: ۸۵) < ایرانی باستان:

\*pṛ-tu- (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۷۱۲) < پارسی مانوی: purt, purd? (دورکین - ماینسترانست، ۲۰۰۴: ۲۸۷).

در این نمونه در دوره نو در کردی فرایند تحول خوشه باستانی به /t/ با کشیدگی واکه پیش از آن (تغییر جایگاه واکه) همراه است.

**sāt** «سال»: هندواروپایی: \*kel- «سرد، سردبودن» (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۲۹۰۴) < ایرانی باستان:

\*čarda- (کاترا، ۲۰۱۷: ۴۸۵؛ گری، ۱۹۶۵: ۷۴۸§) < پارسی: sār (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۱۷۲)؛ پارسی مانوی: sār (دورکین - ماینسترانست، ۲۰۰۴: ۳۰۵).

### 1. M. Mayrhofer

۲. صورت‌های موجود این واژه در زبان اوستایی و فارسی میانه بدین صورت است: اوستایی: \*vərəδka- «کلیه» (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۴۲۰)؛ فارسی میانه: gurdag «گرده، کلیه» (مکنزی، ۱۹۷۱: ۳۸).

۳. صورت‌های موجود این واژه در زبان فارسی باستان و فارسی میانه بدین صورت آمده است: فارسی باستان: \*θard- (کنت، ۱۹۵۰: ۱۸۸)، فارسی میانه زردشتی: sāl (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۱۷۲؛ مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۳).

چنان‌که دیده شد، خوشهٔ باستانی \*rd در گذر به دورهٔ نو در کردی به t تبدیل می‌شود و واکهٔ پیش از آن کشیده می‌شود و تغییر جایگاه واکه صورت می‌گیرد.

**bāt** «بال»: ایرانی باستان: \*varda- (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: §۶۵۴).<sup>۱</sup>

در واژهٔ bāt «بال»، خوشهٔ باستانی \*rd در گذر به دورهٔ نو در کردی به t تبدیل می‌شود و واکهٔ پیش از آن کشیده می‌شود و تغییر جایگاه واکه صورت می‌پذیرد.

**del** «دل»: هندواروپایی: \*ghrd- «دل» < در آریایی به صورت: \*zrd- «دل» (کاتکارت، ۲۰۱۵: ۱۲)

< در ایرانی باستان مادر: \*drd- «دل» < در پارسی: zyrd «دل» (نیبرگ، ۱۹۷۴: ۶۳)؛ و در پارسی مانوی به صورت: zirδ آمده است (دورکین - ماینسترارنست، ۲۰۰۴: ۳۸۸).<sup>۲</sup>

همچنان‌که دیده شد، خوشهٔ باستانی \*rd در گذر به دورهٔ نو در کردی به t تبدیل می‌شود.

**sepet** «اسپرز»: ایرانی آغازین: \*spržan- (کاتکارت، ۲۰۱۵: ۳۱، ۴۴، ۷۸).<sup>۳</sup>

صورت این واژه در کردی به شکل sepet حاصل از فرایند تبدیل خوشهٔ باستانی rž به t در گذر به دورهٔ نو در کردی است.

**kat** «کل، کُز نو»: ایرانی باستان: \*karda- (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: §۴۰۵۱).

در مثال بالا نیز دیده می‌شود که خوشهٔ باستانی \*rd در گذر به دورهٔ نو در کردی به t تبدیل می‌شود.

**atak** «غربال»: ایرانی باستان: \*hardaka- (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: §۴۴۴).

در این مورد نیز خوشهٔ باستانی \*rd در گذر به دورهٔ نو در کردی به t تبدیل می‌شود.

**got** «گُل»: ایرانی باستان: \*vrda- (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: §۴۴۵۸) < در پارسی به صورت wār «گُل»

آمده است (دورکین - ماینسترارنست، ۲۰۰۴: ۳۳۵).<sup>۴</sup>

۱. صورت این واژه در فارسی میانه به صورت bālag «بال» آمده است (مکنزی، ۱۹۷۱: ۱۷).

۲. صورت این واژه در فارسی میانه به صورت زیر است: فارسی میانه: dil (مکنزی، ۱۹۷۱: ۲۶). در فارسی میانه خوشهٔ rd به کناری l تحول می‌یابد: dil «دل».

۳. صورت‌های موجود این واژه در زبان‌های ایرانی باستان شاخهٔ شرقی و ایرانی میانهٔ جنوب غربی به صورت زیر آمده است: اوستایی: -spərəzan- «اسپرز» (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۶۲۳)، -spərəza- «اسپرز» (گری، ۱۹۶۵: ۲۲۳/۸۷۷)؛ فارسی باستان: -sprza-/ sprda- (هوشمان، ۱۸۹۵: ۲۲۲ (پانویس))؛ فارسی میانه: spul, spurz «اسپرز» (مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۶)؛ فارسی میانه توفانی: ?ispurzīgēn «اسپرز» (دورکین - ماینسترارنست، ۲۰۰۴: ۸۷).

۴. صورت اوستایی این واژه -varəda- (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۳۶۹) و در فارسی میانه به صورت gul «گُل» آمده است (مکنزی، ۱۹۷۱: ۳۸).

در مثال بالا نیز خوشه باستانی \*rd در گذر به دوره نو در کردی به t تبدیل می‌شود.  
**nât-in** «نالدن»: ایرانی باستان: \*narda، از ریشه -nard «نعره سرزدن» (هوشمان، ۱۸۹۵: ۱۰۳).  
 در این مثال نیز می‌بینیم که خوشه باستانی \*rd در گذر به دوره نو در کردی به t تبدیل می‌شود و  
 واژه قبل از آن کشیده می‌شود و تغییر جایگاه واکه صورت می‌پذیرد.  
**mât-in** «مالیدن»: ایرانی باستان مادر: \*mardz از ریشه هندواروپایی: mēlg- (پوکرنی، ۱۹۵۹: ۷۲۲).  
 در دوره نو در کردی، توالی ایرانی باستان \*rdz به /r/ تحول می‌یابد<sup>۱</sup> و واژه پیش از آن کشیده شده  
 است، در واقع تغییر جایگاه واژه پیش از آن رخ می‌دهد (کردی: ماده مضارع: -mât، مصدر: mâtin  
 «مالیدن»).

برای مثال‌های ارائه‌شده و فرایند صورت‌گرفته می‌توان قاعده زیر را نوشت:

قاعده (۳):

$$\begin{aligned} r + C &\rightarrow t / V - \\ rz/rd/rt &\rightarrow t / V - \end{aligned}$$

قاعده بالا نشان می‌دهد که خوشه‌های rz/rd/rt باستانی در گذر از باستان به دوره نو در کردی مطابق  
 موارد ارائه‌شده در بافت پایانی واژه، پس از واژه هسته به واج /r/ تحول یافته است. جدول (۳) خاستگاه  
 تاریخی واج /r/ را در کردی مطابق نمونه‌های بررسی شده نشان می‌دهد:

جدول (۳). خاستگاه تاریخی واج /r/ در دوره نو در کردی

هندواروپایی: \*uel- < ایرانی باستان مادر: \*varka- < کردی: batg

هندواروپایی: \*k̥l̥h-uo- < ایرانی باستان مادر: \*kur̥a- < کردی: kot

هندواروپایی: \*gel- < کردی: žâta

هندواروپایی: \*ur̥-tko- < ایرانی باستان مادر: \*vrtka- < کردی: wetk

هندواروپایی: \*pr̥-tu- < ایرانی باستان مادر: \*pr̥-tu- < کردی: pit

هندواروپایی: \*kel- < ایرانی باستان مادر: \*carda- < کردی: sât

ایرانی باستان: \*varda- < کردی: bāt

هندواروپایی: \*ghrd- < \*d̥rd- < کردی: det

ایرانی آغازین: \*spr̥zan- < کردی: sepet

هندواروپایی: \*karda- < کردی: kat

۱. در این مورد نگاه کنید به بند: ۲-۳ در مقاله حاضر.

ادامهٔ جدول (۳). خاستگاه تاریخی واج /l/ در دورهٔ نو در کردی

ایرانی باستان مادر:  $atāk < *hardaka$  < کردی:  $atāk$

ایرانی باستان مادر:  $got < *vr̥da$

ایرانی باستان مادر:  $nât-in < *narda$  < کردی:  $nât-in$

هندواروپایی:  $mâl-in < mēlg$  < ایرانی باستان مادر:  $mârdz < *mardz$  < کردی:  $mâl-in$

در جدول (۴) تحولات تاریخی صورت‌گرفته از زبان هندواروپایی تا دورهٔ نو در کردی دربارهٔ منشأ واج‌های /l/ و /l/ به تفکیک ارائه می‌شود:

جدول (۴). فرایند تاریخی منشأ واج‌های /l/ و /l/ در کردی

#### واج /l/

هندواروپایی:  $-l- < *$  (غیر آغازی) < ایرانی باستان مادر:  $-r- < *r-$  < کردی:  $-l-$

هندواروپایی:  $rd < *rd$  < ایرانی باستان مادر:  $rd < *rd$  < کردی:  $rd$

هندواروپایی:  $rt < *rt$  < ایرانی باستان مادر:  $rt < *rt$  < کردی:  $rt$

هندواروپایی:  $lgh/lġ < *rġh/rġ/lġh/lġ$  < ایرانی باستان مادر:  $rz < *rz$  < کردی:  $l$

#### واج /l/

هندواروپایی:  $-l- < *$  (آغازی) < ایرانی باستان مادر:  $-r- < *$  (آغازی) < کردی:  $-l-$  (آغازی)

هندواروپایی:  $-l- < *$  (غیر آغازی) < ایرانی باستان مادر:  $-r- < *r$  < کردی:  $l$

هندواروپایی:  $lgh/lġ < *rġh/rġ/lġh/lġ$  < ایرانی باستان مادر:  $rz < *rz$  < کردی:  $l$

#### ۴- نتیجه‌گیری

همچنان‌که دیده شد در زبان هندواروپایی  $l$  نقش بازخوان و  $l$  نقش همخوان دارد. از پژوهش حاضر چنین نتیجه می‌شود که واج /l/ در کردی، به  $l$  هندواروپایی برمی‌گردد. مایرهور (۱۹۸۹) و اشمیت (۱۹۸۹ ب) برپایهٔ برخی واژه‌ها به احتمال وجود واج /l/ در یکی از گونه‌های زبان ایرانی باستان مادر اشاره داشته‌اند که ادامهٔ  $l$  هندواروپایی است (در این مورد نگاه کنید به پانیس مربوط به زیربخش (۱) -۳) در نوشتار پیش رو).

همچنین وجود واج /l/ در دورهٔ نو در زبان کردی برخاسته از تحوّل هندواروپایی:  $-l- < *$  (غیر

آغازی) که در ایرانی باستان مادر به  $-r- < *$  تحوّل می‌یابد و توالی  $rd < *rd$  و  $rt < *rt$  هندواروپایی و ایرانی باستان مادر در گذر به دورهٔ نو در کردی است.

مشخص شد که  $-l- < *$  آغازی بافت واژه در هندواروپایی که در ایرانی باستان مادر به  $-r- < *$  تحوّل



می‌یابد، در دوره نو در کردی در تمامی موارد به صورت واج /l-/ در جایگاه آغازی واژه کاربرد دارد، افزون بر این، از نظر تفاوت‌های کاربرد هر کدام از واج‌های /l/ و /l/ در بافت‌های گوناگون واژه نیز معلوم شد که واج /l/ هیچ‌گاه در بافت آغازی واژه در کردی کاربرد ندارد.

### منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۸). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۱). *تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ارانسکی، ی. م. (۱۳۵۸). *مقدمه فقه اللغة ایرانی*. مترجم: کریم کشاورز. تهران: پیام.
- آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. مترجم: یحیی مدرس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. (۵ ج). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۲۰۰۹). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. ژاپن: مرکز پژوهش زبان‌های دنیا. دانشگاه اوساکا.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۹۱). *ریشه‌شناسی واژه‌هایی از گویش بختیاری*. *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه فرهنگستان)*، (۱)، ۱۱۱-۱۳۸.
- فتاحی، مهدی (۱۳۹۹). *حذف همخوان‌های چاکنایی در نام‌ها در کردی کلهری*. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱ (۳۱)، ۴۵-۵۶.
- مردوخ، ماجد (۱۳۹۲). *فرهنگ فارسی- کردی (سه جلدی)*. سنندج: دانشگاه کردستان.

### References

- Abolghasemi, Mohsen (2000). *Historical Grammar of Persian Language*. Tehran: Samt (In Persian).
- Abolghasemi, Mohsen (2003). *History of Persian Language*. Tehran: Samt (In Persian).
- Aransky, Y. M. (1979). *Introduction to Iranian Jurisprudence*. Translated by Karim Keshavarz. Tehran: Payam (In Persian).
- Arlotto, Anthony (1981). *Introduction to Historical Linguistics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (In Persian).
- Bartholomae, C. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*. Berlin: W. de Gruyter.
- Beekes, R. S. P. (2011). *Comparative Indo-European Linguistics: An Introduction*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Bomhard, A. R. (2018). *A Comprehensive Introduction to Nostratic Comparative Linguistics. With Special Reference to Indo-European*. 4 vols. Florence: SC.
- Boyce, M. (1977). *A word – List of Manichaean Middle Persian and Parthian*. Tehran and Liège: Brill.
- Cantera, A. (2017). The phonology of Iranian. In: J. Klein, B. Josef, M. Frits (Eds.), *Handbook of Comparative and Historical Indo-European Linguistics, Handbücher*

- zur *Sprach- und Kommunikationswissenschaft = Handbooks of Linguistics and Communication Science*, no. 41.1. (pp. 481- 503). Berlin/Boston: De Gruyter Mouton.
- Cathcart, C. A. (2015). *Iranian Dialectology and Dialectometry*. PhD dissertation, University of California at Berkeley.
- Comrie, B. (1987). *The Major Languages of South Asia, the Middle East and Africa*. London: Routledge.
- Comrie, B. (2001). Language of the World. In: M. Aronoff and J. R. Miller (Eds.), *The Handbook of Linguistics*, (pp 19- 42). London: Blackwell.
- Crystal, D. (1987). *The Cambridge Encyclopedia of Language*. New York: Cambridge University press.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*. Turnhout: Brepols.
- Fattahi, M. (2021). Elision of Glottal Consonants in Kalhori Kurdish Names. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (31), 45-56 (In Persian).
- Forston, B. W. (2004). *Indo-European Language and Culture: an Introduction*. Oxford: Blackwell.
- Ghilain, A. (1939). *Essai sur la langue parthe (Bibliothèque du Muséon, vol. 9)*. Louvain: Institut orientaliste and Publications universitaires.
- Gray, L. H. (1965). *Indo-Iranian Phonology with Special Reference to the Middle and New Indo-Iranian Languages*. London & New York: AMS Press INC.
- Haig, G. (2004). *Alignment in Kurdish: A Diachronic Perspective*. Habilitationsschrift. Kiel: Christian-Albrechts-Universität zu Kiel.
- Hasandoost, Mohammad (2014). *An Etymological Dictionary of Persian Language (5Vols)*. Tehran: Academy of Persian language and Literature (In Persian).
- Hübschmann, H. (1895). *Persische Studien*. Strassburg: Trübner.
- Kent, R. G. (1950). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*. New Haven: American Oriental Society.
- Kobayashi, M. (2004). *Historical Phonology of Old Indo-Aryan Consonants*. Tôkyô, Japan: Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa, Tokyo University of Foreign Studies.
- Lehmann, W. P. (1992). *Historical Linguistic: an introduction*. London and New York: Routledge.
- Lubotsky, A. (2018). The phonology of Proto-Indo-Iranian. In: J. Klein, B. Josef, M. Frits (Eds.), *Handbook of Comparative and Historical Indo-European Linguistics, Handbücher zur Sprach- und Kommunikationswissenschaft = Handbooks of Linguistics and Communication Science*, no. 41.3. (pp. 1875- 1888). Berlin/Boston: De Gruyter Mouton.
- MacKenzie, D. N. (1961). The Origin of Kurish. *TPhs*, 60 (1), 68-86.
- MacKenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.
- Mardukh Majed (2015). *Persian-Kurdish Dictionary (3Vols)*. Sanandaj: Kurdistan University (In Persian).
- Mayrhofer, M. (1989). Vorgeschichte der iranischen Sprachen; Uriranisch. In: R. Schmitt

- (Ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*, (pp 4- 24). Wiesbaden: Reichert.
- Mayrhofer, M. (1992). *Etymologisches Wörterbuch der Altindoarischen. I*. Heidelberg: Carl Winter Universitätsverlag.
- Mayrhofer, M. (1996). *Etymologisches Wörterbuch der Altindoarischen. II*. Heidelberg: Carl Winter Universitätsverlag.
- McCarus, E. (2009). Kurdish. In: G. Windfuhr (Ed.), *The Iranian Languages*, (pp 587-633). London & New York: Routledge.
- Nyberg, H. S. (1974). *A Manual of Pahlavi. Part II: Glossary*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Paul, L. (2008). Kurdish language i: History of the Kurdish language. In: *Encyclopaedia iranica online*. (<http://www.iranicaonline.org/articles/kurdish-language-i>) (Accessed 2021-11-2).
- Pokorny, J. (1959). *Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch*. Bern and München: Francke.
- Rezai Baghbidi, Hasan (2009). *History of Iranian Languages*. Japan: Research Institute for World Languages. Osaka University (In Persian).
- Rix, H. (2001). *Lexikon der indogermanischen Verben [Lexicon of IndoEuropean Verbs]*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Schmitt, R. (1989a). Die Altiranischen Sprachen im Überblick. In: R. Schmitt (Ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*, (pp 25- 31). Wiesbaden: Reichert.
- Schmitt, R. (1989b). Andere Altiranische Dialekte. In: R. Schmitt (Ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*, (pp 86- 94). Wiesbaden: Reichert.
- Skjærvø, P. O. (2009). Middle West Iranian. In: G. Windfuhr (Ed.), *The Iranian Languages*, (pp 196- 278). London & New York: Routledge.
- Sundermann, W. (1989). Westmitteliranische Sprachen. In: R. Schmitt (Ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*, (pp 106- 113). Wiesbaden: Reichert.
- Taheri, Esfandiari (2012). Etymology of Some Words in Bakhtiari dialect. *Journal of Iranian Languages and Dialects (Academy of Persian language and Literature, special issue)*, (1), 111-138 (In Persian).
- Trask, R. L. (1999). *Key Concepts in Language and Linguistics*. London and New York: Routledge.
- Windfuhr, G. (2009). Dialectology and Topics. In: G. Windfuhr (Ed.), *The Iranian Languages*, (pp 5- 42). London & New York: Routledge.